

دیده بان حقوق بشر، «عناصر نامطلوب»: اخراج غیر نظامیان فلسطینی از لبنان اشغالی «اسرائیل» نیویورک، ۲۸ جولای ۱۹۹۹

متن کامل گزارش ۵۶ صفحه‌ای را دیده بان حقوق بشر منتشر کرده است. در اول جولای ۱۹۹۹، سه تن از ساکنان جنوب اشغالی لبنان اخراج شدند که دوتن از آنان سالخورده بودند. حسن محمد سعید ۷۷ ساله و خلیل دیب صعب ۶۵ ساله. روزنامه‌های لبنان از ادامه اخراجها در روز بعد نیز گزارش دادند ولی روزنامه‌های اسرائیلی مانند هارتص و جرزالیم پست خبری در این باره منتشر نکردند. این دو پیرمرد به صدها زن، کودک و مرد لبنانی افزوده شدند که دست کم از ۱۹۸۵ در منطقه اشغالی به سرنوشتی مشابه دچار شدند. این گزارش به بررسی اخراج و دیگر جابجاییهای اجباری غیر نظامیان لبنانی می‌پردازد، رفتاری که نقض فاحش قوانین بین‌المللی بشردوستانه و عهدنامه‌های ژنو به شمار می‌رود. شبه نظامیان ارتش جنوب لبنان، وابسته به اسرائیل، در ناحیه اشغالی لبنان به چنین اقدامی دست می‌زنند. توسل به اخراج به عنوان حربه‌ای برای مجازات غیر نظامیان منطقه اشغالی در دو دهه‌ای که سلاخی آرام مردان، زنان و کودکانی آواره از خانه و کاشانه خود، توجه اندکی را در اسرائیل و جهان جلب کرده است. دیده بان حقوق بشر پرونده‌های افراد و خانواده‌هایی را گردآوری کرده است که به اتهام اقدامها یا فعالیتهای مشکوک و وابستگانشان به طور جمعی مجازات شده‌اند. این اقدامات شامل مشارکت احتمالی در حملات به افراد نظامی و تأسیسات اسرائیلی در منطقه، عضویت در جناحهای نظامی سازمانهای سیاسی لبنانی مانند حزب الله و

جنبش امل، خودداری از همکاری با تشکیلات امنیتی اشغالگر و ترک یا خودداری از خدمت در ارتش جنوب لبنان است.

اخراج در چارچوب اشغال درازمدت بخشی از لبنان جنوبی و روبرویی مداوم بین اسرائیل و ارتش جنوب لبنان و چریکهای لبنانی که برای بیرون راندن اشغالگران می جنگند، صورت می گیرد. از لحاظ تاریخی، این خاک لبنان است که صحنه مناقشه نظامی شده و این لبنان است که بیشترین فعالیت نظامی در آن جا صورت می گیرد و غیرنظامیان قربانی می شوند. گلوله بارانهای تلافی جویانه و کور اسرائیل و نیروهای ارتش جنوب لبنان، و همچنین حمله های هلیکوپترهای اسرائیلی و هواپیماهای با بال ثابت، صدها لبنانی را به قتل رسانده یا زخمی کرده است، مانند گلوله باران مجتمع سازمان ملل در قنا در ۱۸ آوریل ۱۹۹۶ که یک صد قربانی غیرنظامی برجانهاد.

اخراج و دیگر جابجاییهای اجباری غیرنظامیان لبنانی از منطقه اشغالی تنها یکی از شیوه هایی است که مسئولان اشغالگر برای کنترل غیرنظامیان و جلوگیری از نفوذ نیروهای چریکی ضد اشغالگری به کار می گیرند. اخراج غیرنظامیان از خانه ها و روستاهای منطقه، همانند حملات کور دو طرف، را نمی توان به بهانه حفظ امنیت توجیه کرد. قانون بین المللی بشردوستانه به روشنی جابجاییهای اجباری و اخراجها را منع می کند که نقض فاحش عهدنامه های ژنو به شمار می روند و جنایت جنگی تلقی می شوند.

جهانیان و اسرائیل به موارد نقض قوانین جنگ در جنوب لبنان کمترین توجهی ندارند. تلاشها برای کنترل جمعیت غیرنظامی از طریق توسل به شکنجه، ارباب، اخراج و جابجایی اجباری اغلب به عنوان اقدام در دفاع از خود از سوی یک نیروی اشغالگر توجیه می شود در حالی که قانون بین المللی آنها را منع کرده است. این به مناقشه اسرائیل و لبنان محدود نمی شود. ارتکاب چنین اعمالی در مناقشات نظامی به تدوین قوانین بین المللی بشردوستانه منجر گردید که آشکارا چنین اقداماتی را منع و قابل مجازات می کنند.

اخراجهای انفرادی و همه اعضای یک خانواده، بدون تظاهر به روند مناسب حقوقی، به سرعت، به اجبار و گاه بیرحمانه صورت گرفته است. قربانیان بدون آگاهی قبلی مجبور به ترک محل شده اند و حتی اجازه نیافتند هیچ یک اموال از شخصی خود را بردارند. اخراجها برای قربانیان خود که کودکان را نیز شامل می شود تجربه ای هولناک بوده است.

مصاحبه‌های موجود در این گزارش نشان می‌دهند که بسیاری از خانواده‌های اخراجی زمینهای حاصلخیز کشاورزی، دامها و مغازه‌های خود را افزون بر خانه‌هایشان رها کرده‌اند. سلب اجباری مالکیت مشکلات اقتصادی فراوانی را بر خانواده‌های اخراجی تحمیل کرده است. دیده‌بان حقوق بشر دریافت کرده است که مالکان پیشین خانه‌ها در کاشانه‌های شلوع اجاره‌ای حومه‌های بیروت بزرگ و دیگر مراکز شهری سکونت گزیده‌اند. آنان گفته‌اند که خانه‌هایشان در منطقه اشغالی خالی‌اند یا در برخی موارد به اشغال شبه نظامیان ارتش جنوب لبنان درآمده‌اند. خانواده‌ها همه داراییهای خود از جمله لباسها، اسباب و اثاثیه و خودروها را از دست داده‌اند. آنان مجبور شده‌اند دامهای درآمدزا، مانند گوسفند، مرغ و گاو را به حال خود رها کنند. زنانی که کشاورزی می‌کردند با تأسف و خشم گفته‌اند که نه تنها منبع خودکفایی و امرار معاش خود بلکه مزارع و باغستانهایی را از دست داده‌اند که دوست می‌داشتند.

بسیاری از خانواده‌های اخراجی به فقر کشانده شده‌اند چون درآمد خود را از زمینهای کشاورزی و مغازه‌ها از دست داده‌اند. کشاورزان نگرانی عمیق خود از وضعیت زمینهای خود، به ویژه باغهای زیتون و انگور، ابراز داشته‌اند. آن دسته از مردان و زنانی که توانسته‌اند شغل درآمدزایی در بیروت به دست آورند درآمدشان بسیار کمتر از آنی است که در منطقه اشغالی به دست می‌آورند و سطح زندگی‌شان به شدت نزول کرده است. این امر به ویژه در مورد خانواده‌های کشاورز صدق می‌کند که تا حدود زیادی خودکفا بودند. هر یک از اخراج شدگانی که دیده‌بان حقوق بشر در مارس و آوریل ۱۹۹۹ با آنان مصاحبه کرد به شدت تلخکام بودند و بسیاری از آنان از بی توجهی نسبت به سرنوشتشان در لبنان و دیگر کشورهای جهان ناراحت بودند.

این گزارش بررسی فراگیر تاریخی از اخراجها نیست. موارد اخراج و دیگر جابجاییهای اجباری که در این گزارش آمده است در روستاها و شهرکهای سراسر منطقه اشغالی، از جنوب غربی گرفته تا کفر همام و شبا در شمال شرقی، بین ۱۹۸۵ و ۱۹۹۹ صورت گرفته است. گزارش براساس مصاحبه‌های خصوصی با اخراج شدگان در لبنان استوار است. همچنین اخراجهایی نیز در آن آمده است که رسانه‌های لبنانی و خبرگزاریهای بین‌المللی از بیروت گزارش داده‌اند.

شمار کامل غیرنظامیان لبنانی که طی سالها از منطقه اشغالی اخراج شده اند هرگز اعلام نشده است. براساس گزارش کمیته شهروندان عرقوب، یکی از سازمانهای غیردولتی لبنانی، از فوریه ۱۹۸۷ و ژانویه ۱۹۹۹ حدود ۲۵۰ تن از سکنه منطقه عرقوب، در شمال غربی منطقه اشغالی، شامل روستاهای شبا، کفر همام، حباریه، کفر شوبا و رشاید الفخار، اخراج شده اند.

دیده بان حقوق بشر دریافت است که چهل و شش لبنانی اخراجی در ۱۹۹۸ مورد های خود را به اطلاع دفاتر محلی کمیته بین المللی صلیب سرخ رسانده اند. وزارت خارج آمریکا، در تضاد کامل با این گزارشها، در گزارش ۱۹۹۸ خود درباره حقوق بشر در لبنان از ۱۲ اخراجی شامل ۵ زن، چهار کودک و سه مرد نام برده است. وزارت خارجه سه مورد از چهار مورد اخراج را تایید کرده ولی گفته است «بر اساس گزارشها» قربانیان اخراج شده اند.

یکی از مسئولان وزارت خارجه لبنان در آوریل ۱۹۹۹ به دیده بان حقوق بشر در بیروت اطلاع داد که دولت به دلیل نبودن منابع از تعداد دقیق افراد اخراجی آگاهی ندارد ولی امیدوار است به زودی آماری منتشر کند. ما دریافتیم که پیش از مأموریت مارس - آوریل ۱۹۹۹، دولت لبنان خواستار کمک چندین سازمان غیردولتی لبنان در گردآوری اطلاعات درباره افراد اخراجی شده است و لی تا زمان انجام مأموریت یا انتشار این گزارش این اطلاعات در اختیار ما قرار نگرفت. دیده بان حقوق بشر از شورای جنوب (مجلس الجنوب): اداره ای دولتی که از ۱۹۹۶ کمک مالی در اختیار خانواده های اخراجی قرار می دهد درخواست کرد اطلاعات خود را در اختیار گذارد. تا هنگام انتشار این گزارش چنین اطلاعاتی در اختیار ما قرار نگرفته بود.

شورای جنوب یک نهاد دولتی لبنانی است که در ۱۹۷۰ برای کمک به اهالی جنوب لبنان و دره بقاع در برابر اقدامات اسرائیل تشکیل شد. قبلاں قبلاں مدیر آن در مصاحبه ای با دیده بان حقوق بشر در بیروت در آوریل ۱۹۹۹ این مطلب را عنوان کرد. این شورا با استفاده از پول دولت به فعالیتهای عمرانی زیربنایی و طرحهای خدمات اجتماعی پرداخته و کمک مالی در اختیار خانواده های لبنانیهای زندانی در بازداشتگاه خیام یا زندانهای داخل اسرائیل قرار داده است. شورای جنوب همچنین یک بار مبلغ ۲۰ میلیون لیره لبنان (حدود ۱۳۳۰۰ دلار آمریکا) به خانواده هایی کمک کرد که فرزندان خود را در عملیات نظامی

از دست داده بودند و افزون بر آن به زندانیان آزاد شده نیز کمکهای مالی کرده است. قبلان گفت که در اواخر ۱۹۹۶، نخست وزیر با صدور بخشنامه‌ای دستور داد مبلغ ۳ میلیون لیره لبنانی به هر خانواده اخراجی پردازند و همه آنان در مدت اخراج از کمک بهداشتی برخوردار شوند. او خاطر نشان ساخت کمکهای اضافی براساس موردی پرداخت می‌شود و باید به تصویب هیئت وزیران برسد. دیده بان حقوق بشر خواستار نسخه‌ای از این بخشنامه شد ولی آن را به دست نیاورد.

شماری از خانواده‌های اخراجی که دیده بان حقوق بشر با آنان مصاحبه کرده است از شورای جنوب شکایت داشتند و گزارش دادند رهنمودهایش برای دریافت کمک مالی مبهم و نامشخص است. در پاره‌ای موارد، خانواده‌ها از مقدار پولی که باید در اختیارشان گذاشته شود. آگاهی نداشتند و می‌گفتند مقدار کمتری پول به آنان داده شده است. برخی گفتند تنها پس از انتشار شکایت آنان در رسانه‌های لبنان پول دریافت کرده‌اند.

چندین لبنانی که بین سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ اخراج شده‌اند مایل نبودند نامشان منتشر شود چون امیدوار بودند به روستاهایشان باز گردند. دیگر کسانی که مایل به افشای هویتشان نشدند از آن بیم داشتند که بستگانشان در منطقه اشغالی مورد اذیت و آزار قرار گیرند. برخی نیز می‌گفتند ممکن است در صورت انتشار اسامی آنان، خانه‌هایشان در منطقه اشغالی ویران شود.

زندگی اهالی منطقه اشغالی

خانواده‌های مخالف اشغالگری که ادامه زندگی را در منطقه برگزیده‌اند دریافت کرده‌اند که زندگی عادی بس دشوار است. اطلاعات گردآوری شده از مصاحبه با خانواده‌ها برای تهیه این گزارش، گوشه‌هایی از واقعیت تلخ زندگی روزمره را در منطقه اشغالی برای کسانی روشن می‌سازد که با اسرائیل یا ارتش جنوب لبنان همکاری نمی‌کنند یا آشکارا یا به طور تلویحی با اشغال مخالفت می‌ورزند. برای این دسته از لبنانیها، یادآوریهای دایم اشغال وجود دارد: روستاهای خالی از سکنه، اذیت و آزار و فشار ارتش جنوب لبنان و نیروهای امنیتی اسرائیل، محدودیت رفت و آمد آزادانه در منطقه و نگرانی همیشگی از وضعیت بستگانی که بدون اتهام بازداشت و در زندان ناحیه اشغالی، خیام، شکنجه می‌شوند. کودکان نیز در خیام زندانی‌اند و

برخی از آنان برای وارد کردن فشار بر والدین یا بستگان بزرگتر به زندان افتاده اند. زنان زندان شکنجه می‌شوند زیرا بازجویان می‌کوشند اطلاعاتی از آنان به دست آورند و مسئولان امنیتی امیدوارند از این طریق بستگان مرد آنان را برای پیوستن یا بازگشت به ارتش جنوب لبنان زیر فشار قرار دهند یا بستگان مرد آنان را که اعضای شناخته‌یا مظنون مقاومت نظامی لبنانی هستند شناسایی نمایند.

در روستاهای سراسر منطقه اشغالی، اعضای برخی خانواده‌ها ماهها یا سالهاست زیر فشار قرار دارند تا به عنوان خیرچین برای تشکیلات امنیتی ارتش جنوب لبنان فعالیت کنند که زیر نظر و با همکاری تشکیلات اطلاعاتی اسرائیل کار می‌کند. برای آن دسته از مردان و زنانی که تسلیم فشار نمی‌شوند، اخراج آخرین وسیله مجازات است. در یکی از مواردی که در این گزارش آمده است، خودداری مردی از همکاری منجر به اخراج او، همسر و دو فرزندش شد که ماهیت مجازات جمعی را نشان می‌دهد. در بسیاری از موارد دیگر، فشار دایم مقامهای امنیتی اشغالگر بر مردان و زنان سبب فرار آنان از روستاها به دلیل ترس و اعتقاد سیاسی و اغلب به هر دو دلیل شده است. با وجودی که بیشتر این افراد خود را «اخراجی» معرفی کرده‌اند ولی دیده‌بان حقوق بشر فراریان را از اخراجیها متمایز کرده است.

روش ارتش جنوب لبنان در احضار پسران نوجوان به خدمت یکی از کابوسهای خانواده‌هایی است که با اشغالگری مخالفند و از شبه نظامیان مزدور اسرائیل نفرت دارند. برخی خانواده‌ها داوطلبانه منطقه را ترک کرده‌اند تا پسرانشان مجبور نشوند در ارتش جنوب لبنان خدمت کنند. سایرین در روستاها مانده‌اند ولی پسران خود را در آستانه چهارده یا پانزده یا شانزده سالگی به خارج از منطقه می‌فرستند. بنابر اظهار گواهان، کودکان را به اجباری فرامی‌خوانند. زنی از روستای مرکبه که پسرش را در ۱۶ سالگی به اجباری احضار کردند می‌گوید «آنان پسران ۱۴، ۱۵ و ۱۶ ساله را به اجباری می‌برند.» او به دیده‌بان حقوق بشر گفت که یکی از پسران همسایه اش را در ۱۴ سالگی به اجباری می‌بردند.

کشاورزان و دیگر کسانی که در منطقه اشغالی امرار معاش می‌کنند از فسادگسترده در میان رده‌های بالای تشکیلات امنیتی اشغالگر، به صورت گرفتن «عوارض» از خرید و فروش، خرمن و دیگر درآمدها سخن رانده‌اند. برخی خانواده‌ها نیز گفته‌اند که به مسئولان امنیتی ارتش جنوب لبنان رشوه داده‌اند تا پسران آنان آزاد شوند یا مردان جوان و پسران آنان از

اجباری معاف شوند. براساس چندین گزارش دست اول، شبه نظامیانی که خانه های مردم را جستجو کرده اند پول نقد، طلا و خودروهایی را «مصادره» - چپاول - کرده اند که ارزش آنها هزاران دلار آمریکایی می شود.

به رغم انواع و اقسام فشارها، کسانی که در منطقه مانده اند مصمم اند فرزندان خود را آموزش دهند، به کشاورزی ادامه دهند، شغل های محلی خود را به عنوان کارکنان دولت لبنان حفظ نمایند و به کسب و کار خصوصی خود در روستاهایشان ادامه دهند. این مردان و زنانی که فرار نکرده اند از پس اندازه های خود یا پولی که اعضای خانواده از بیروت و دیگر شهرهای لبنان می فرستند برای سرمایه گذاری در خانه، زمین های کشاورزی و داد و ستد در منطقه استفاده می کنند. پیامدهای مجازات اخراج خانواده ها و سلب مالکیت داریم از آنان را باید در این چارچوب و سیعتر مشاهده کرد.

نقش اسرائیل در منطقه اشغالی

ناحیه اشغالی اسرائیل که در مرز اسرائیل قرار دارد و در حدود ۱۰ درصد از خاک لبنان را شامل می شود دارای بیش از یکصد روستا و شهرک در جنوب کشور است.

مرزهای کنونی منطقه در ۱۹۸۵ شکل گرفته است. هنگامی که ارتش لبنان پس از هجوم به لبنان در ژوئن ۱۹۸۲ تخلیه مرحله ای لبنان را آغاز کرد، در پی هجوم اسرائیل در مارس ۱۹۷۸، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۴۲۵ را به تصویب رساند که خواستار قطع فوری اقدام نظامی اسرائیل برضد تمامیت ارضی لبنان و خروج نیروهایش از همه خاک لبنان شده است. این قطعنامه همچنان معتبر است.

نیروهای دفاعی اسرائیل (آی دی اف IDF) دارای مرکز فرماندهی در پادگان سابق ارتش لبنان در مرجیون است. پرچم اسرائیل، در میان دو پرچم لبنان، بر فراز ساختمانهای پادگان دیده می شود. مواضع بسیار مستحکم ارتش در سراسر منطقه، که از لحاظ استراتژیکی در بالاترین نقاط قرار دارد، مانند موضع این ارتش در دژ بوفور در بالای دهکده عرنون، پرچم اسرائیل را برافراشته اند. موشه آرنز وزیر دفاع وقت اسرائیل در مارس ۱۹۹۹ به جرز الیم گفته بود: «ما هزاران سرباز و افسر در لبنان داریم که فعالیت شبانه روزی دارند و جان خود را در معرض خطر قرار داده اند.»

اسرائیل نیروهای نظامی و امنیتی و همچنین افراد ارتش جنوب لبنان کنترل منطقه اشغالی را در دست دارد. ارتش جنوب لبنان از مزدوران لبنانی تشکیل شده ولی اسرائیل به طور مستقیم آن را مسلح کرده است و مخارجش را می پردازد. دولت‌های اسرائیل بارها استدلال کرده اند که به رغم همکاری اسرائیل با ارتش جنوب لبنان و نفوذش بر آن، ارتش جنوب لبنان خودمختار است و اسرائیل مسئول عملکرد آن در منطقه، مثلا اداره زندان بدنام خیام و شکنجه زندانیانش نیست. جامعه بین المللی دیدگاه متفاوتی دارد. دبیرکل سازمان ملل در گزارشهای شش ماهه خود به شورای امنیت از ارتش جنوب لبنان نام هم نمی برد. به جای آن، شبه نظامیان به عنوان «نیروهای دوفاکتو» و «مزدوران محلی» ارتش لبنان توصیف شده اند. اسرائیل از طریق تشکیل و استفاده از ارتش جنوب لبنان به عنوان قائم مقام خود به اشغال منطقه ادامه داده است. واحد رابط ارتش اسرائیل در لبنان، به فرماندهی یک افسر اسرائیلی با درجه سرتیپی، فعالیتهای نظامی اسرائیل و ارتش جنوب لبنان را در منطقه اشغالی اداره می کند.

در آوریل ۱۹۹۸، دولت بنیامین نتانیاهو نخست وزیر وقت اعتراف کرد که ارتش اسرائیل به سرزمینی تسلط دارد که اسرائیل در جنوب لبنان اشغال کرده است. در ۱ آوریل ۱۹۹۸، کمیته وزارتی برای امنیت ملی اسرائیل اعلام کرد که اسرائیل قطعنامه ۴۲۵ سازمان ملل را پذیرفته و «ارتش اسرائیل خاک لبنان را ترک خواهد کرد» و از دولت لبنان خواست «مذاکرات را برای برقراری کنترل مؤثر خود بر مناطق تحت کنترل ارتش لبنان» آغاز کند. به هر حال، مسئولان اسرائیلی همچنان از پاسخگویی در قبال اقدامات قائم مقامهای لبنانی ارتش اسرائیل در منطقه اشغالی طفره می روند و اصرار می ورزند که نفوذ اسرائیل به منزله «کنترل مؤثر» نیست. دیده بان حقوق بشر بدون توجه به آن از این نظریه جامعه بین المللی حمایت می کند که اسرائیل نیروی اشغالگر بخشی از سرزمین لبنان است که آن را «منطقه امنیتی» می نامد، و مسئول اقدامات خود و قائم مقامهای لبنانی اش در آنجاست. لازم به توضیح است که دولت اشغالگر اسرائیل با وجود فشارهای زیادی که بر منطقه و مردم جنوب لبنان وارد می آورد، در مقابل مقاومت نیروهای مبارزه حزب الله مجبور شد منطقه جنوب لبنان را در تاریخ اول ژوئن ۲۰۰۰ رها سازد و از منطقه خارج شود.